



ضمیمه روزنامه امروز
ویژه‌نامه کودک و نوجوان



یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۶ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۹ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۱ • ۸ صفحه + ۸ صفحه ویژه‌نامه • ۱۰۰۰ تومان



سه شنبه ۱ فروردین، ساعت ۵۴ دقیقه و ۲۸ ثانیه بامداد

در «شرق» امروز می‌خوانید: القاصی به قضات دادگاه‌های تجدیدنظر توصیه کرد؛ حقی ضایع نشود، فقط دختران روس را ببینید، مسئولیت خطیر وزارت نیرو در طرح سد سوم کوهرنگ و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، مهدی زارع

«شرق» تداوم تحرکات دیپلماتیک شورای عالی امنیت ملی را بررسی می‌کند

دومینوی دریابان

دیوان کیفری بین‌المللی حکم بازداشت رئیس‌جمهور روسیه را صادر کرد

پوتین تحت تعقیب لاهه

گفت‌وگو با ایرج راد درباره زنده‌یاد احمد دامود

مردی که زندگی‌اش را وقف تئاتر کرد



بهاریه نیلوفرانه

یادداشت

گلایه‌ای که مسئولان هنری باید بشنوند



در آخرین شب‌های سال به بهانه انتشار رنج‌نامه مدیر «پریس تئاتر شهرزاد» و تماشای برخی کارهای روی صحنه سری به آنجا زدم تا از آقای جعفری، مدیر سختکوش و صبور این مجموعه و کارگردان و تهیه‌کننده بر سابقه، جويا شوم که چه چیزی باعث شده تا این قدر عصبی شود؛ چراکه با شناسختی که از او داشتم، از لحن نامه اخیرش تعجب کردم. او در آن نامه از رفتارهای سلیقه‌ای گلایه کرده بود. خیر تعظیلی خودخواسته تئاتر شهرزاد باعث تأسف و دردآور است، اگر مسئولان تالاشی برای جلوگیری از آن نکنند. آقای جعفری که کاملا مشخص است از بی‌مهری‌ها و مانع‌تراشی‌های بی‌مورد خسته شده، در یادداشت اخیر خود هیچ درخواست مساعدتی از دستگاه‌های اجرائی متولی هنر نداشته و چنان‌که همه اهالی تئاتر می‌دانند، فروش این مجموعه از فروش تالارهای رسمی به مراتب بیشتر است. علاوه بر آن آقای جعفری و همسر محترمش خانم صحت که اتفاقاً «شهرزاد» نام حاصل زندگی مشترکشان هم هست، تجربه سال‌ها فعالیت در این عرصه را دارند و به ضوابط، قواعد و قوانین آن کاملا آشنا بوده و عجیب است که مداخله‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و به قول خودش رفتارهای سلیقه‌ای مدیران، تا این حد خسته‌شان کرده باشد تا در این شرایط چاره‌ای جز تعظیلی تئاتر شهرزاد نیابند. تئاتر شهرزاد عملاً خانه امید نه تنها هنرمندان پیش‌کسوت، بلکه جوانان علاقه‌مند به فرهنگ و هنر در سال‌های اخیر بوده و در هیچ مقطعی حتی شرایط بسیار دشوار، فعالیت خود را متوقف نکرده است و حیف است که دغدغه و گلایه مدیر آن با بی‌توجهی مسئولان متولی فرهنگ مواجه شود. تلاش‌های بخش خصوصی در عرصه فرهنگ و هنر را باید قدر دانست و به گلایه‌های آنان توجه داشت.

جناب آقای مهندس محمود امین نژاد
مدیر عامل محترم شرکت پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس

انتخاب شایسته جنابعالی به عنوان مدیر نمونه جهادی کشور در سال ۱۴۰۱ و اعطای نشان از دست ریاست محترم قوه قضاییه که نشان از تلاش جهادی و درایت جنابعالی را دارد تبریک عرض می‌نماییم.

شرکت مارون مناطق – منوچهر آقاجری



عکس: پیام ثانی، ایرنا

بازاریان از حال و هوای خریدهای شب عید می‌گویند / راسته نوروز

گزارشی از هشدارهای مداوم برای احتمال افزایش تصادفات جاده‌ای در تعطیلات عید/ احتیاط در پیچ خطرناک نوروز

چند ساعتی آن سوت را ما بهار آرمیده است تا یک‌بار دیگر چشمانش را رو به آبی آسمان بچرخاند، سبز شود و راه دل‌هایمان را رو به هوایی تازه باز کند. بهار نام کوچک امید است، بسان شکوفه‌هایی که ذره به ذره چشم به نور می‌دوزند تا در اوج شکوفایی رونق بهار شوند.

ما هم اینجا می‌نایم تا نخستین زمزمه‌های بهار بر شانه‌های امید بازگردند و نامان را رو به فردایی بهاری بخوانند. از حالا می‌گوییم سلام درانه فصل‌ها!

صفحه‌های ۴ و ۵

یادداشت

اعتلای دانشگاه‌ها

بیژن جهانگیری
استاد دانشگاه تهران

اینکه اشتغال ذهنی وزرای علوم و بهداشت، در کسوت مسئولان درجه اول و مستقیم آموزش عالی کشور، متوجه کدام مسائل است، امری است قابل توجه. فهرست این مسائل روشن است و موجود. اما آنچه مهم است جزئیات فهرست نبوده بلکه اولویت‌بندی آن است. در منابع مکتوب مربوط به آموزش عالی مطالب بی‌شماری درباره این اولویت‌ها نوشته شده است. اکثر این منابع معتقد دارند که اولویت اول و هر روزه و همیشگی هرم مدیریت آموزش عالی شامل مدیران دولتی و رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، باید امری باشد تحت عنوان اعتلای مداوم و هدفمند (اعتلا معادل اصطلاح Excellence آورده شده است). اعتلا روندی است که با رقابت شروع می‌شود. در پاسخ به تعریف اعتلا باید به سوآلاتی از قبیل «منظور از اعتلا» و «اعتلا در چه زمینه‌ای» پاسخ داد. اعتلا می‌تواند مظهر و نمود اختصاصات زیر باشد: استنباط، استنباط، عالی‌بودن و داشتن بالاترین استاندارد و بهترین کیفیت (در مقایسه با موارد مشابه). اعتلا امری است نسبی که در روند خود گوشه چشمی دارد به ارزش‌های جامعه و علی‌رغم آرمان‌گرایی پرهیز می‌کند از رؤیابرداری. روند معقول اعتلا مشروط به رسیدن به هدف در کوتاه‌ترین فاصله زمانی است. می‌گویند اعتلا رسیدن به حد اعلائی کیفیت است به نحو غیرمعمول. هدفی که به‌طور معمول غیرقابل دسترسی می‌نماید. عده‌ای هم اعتلا را «دست‌رسی به هدف غیرقابل دسترسی» تعریف کرده‌اند. در بیشتر موارد دانشگاه‌ها جایگاه روند اعتلا هستند. اختصاصات یک دانشگاه «عالی» کم‌وبیش شناخته و مدون شده است؛ آنچه در چنین مؤسسه‌ای دیده می‌شود، عبارت است از: انجام آموزش‌های عالی، داشتن اساتید برجسته به معنای بهترین در سطح جهانی (بدون داشتن جایی برای متوسط‌ها)، فراهم‌بودن بهترین شرایط کار به معنای پژوهش (داشتن مجهزترین و روزآمدترین آزمایشگاه‌ها)، و آموزش (پذیرش بااستعدادترین دانشجویان نخبه)، استقلال و پایداری و ثبات شغلی، دریافت حقوق مناسب، داشتن ارج و قرب اجتماعی مطلوب، آزادی آکادمیک و امکان فعالیت در محیط روشنفکری جذاب و بالاخره مدیریت همیشه همراه و خدمتگزار.

ادامه در صفحه ۳

سرمقاله

سلامت اجتماعی قدرت و سیاست‌گذاری (۲)



کچیده: «سلامت اجتماعی متضمن شکوفایی عرفی جامعه است. اگر یک نیروی سیاسی خود عامل اختلال روابط اجتماعی باشد ناسلامتی اجتماعی را دامن می‌زند. سیاست‌گذار باید خود را درمان کند تا جامعه درمان شود.»

گفتیم که سلامت اجتماعی یعنی سلامت ارتباطات اجتماعی و اینکه هر چه بیشتر روابط ما اسیر محدودیت‌های رفتاری، ریاکاری، نفاق، تحمیل رسانه‌ای، محدودسازی عرف و... شود، بیشتر دچار ناسلامتی اجتماعی شده‌ایم.

افراطی‌گری، انحصارطلبی، قشری‌گری و عوام‌زدگی اصلی‌ترین ابزارها یا عواملی هستند که سلامت اجتماعی را تهدید و نوع ارتباطات خاصی را بر جوامع تحمیل می‌کنند. ناسلامتی اجتماعی از جنس بی‌شعوری اجتماعی و تحمیل عرف یک اقلیت بر زندگی اکثریت است. این عرف می‌تواند سیاسی، فرهنگی یا اخلاقی باشد. گمان مبرید که تنها در جوامع مثل ما چنین گرایش‌هایی وجود دارد. در برخی جوامع لیبرال نیز تحمیل گرایش‌های جنسی شاذ و انحرافی در قالب طبیعی جلوه‌آوردن آنها و ترویج آن در اجتماع وجود دارد و به شکل روزمره‌ای در رسانه‌های جریان غالب (که عملاً کارکردی همچون رسانه‌های رسمی دارند) چنین گرایش‌هایی به اصطلاح به چشم همگان فرومی‌رود و در زندگی جوانان و نوجوانان ترویج می‌شود. الغرض، در همه جوامع چنین گرایش‌های افراطی وجود دارد اما نکته اساسی تسخیر دولت (state capture) توسط این گروه‌هاست. آن‌گاه که تسخیر دولت توسط گروه‌های افراطی اعم از افراطیون فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی پدید آید، سلامت اجتماعی به‌صورت «سیستماتیک» تهدید می‌شود و این نکته‌ای است که دقیقاً مربوط به مسئولیت معماران نظام‌های سیاسی است. چنین دیدگاهی متضمن یک معنای اساسی در «سیاست نیروی انسانی» حکومت است. تصویری که یک حکومت از نیروی انسانی اداره امور عمومی از خود به جای می‌گذارد اساساً تصویری از روابط اجتماعی است و اینکه ارتباطات انسانی چگونه باید باشد و چگونه و چه کسانی می‌توانند مهار حکومت را در امور روزمره و در امور حیاتی به دست بگیرند. آیا سرنوشت مردم و حکومت به دست قشری‌ترین لایه‌های اجتماعی است؟ یا اینکه رویکردی نخبه‌گرایانه دارد؟ آیا روابط حکومتی حاصل تعامل نیروهای حرفه‌ای است یا اینکه اسیر عوام‌زدگی است؟ آیا تحول و تعامل سیاسی ناشی از نوآوری اجتماعی است یا اینکه مبتنی بر وفاداری سیاسی و فرقه‌ای است؟ آیا جریانی زنده و پویا در نیروی انسانی نظام سیاسی سیلان دارد یا اینکه نیروی انسانی در حلقه‌های تودرتو و بسته گرفتار است؟ سلامت اجتماعی با چنین معیارهایی قابل ارزیابی است.

زبان از عوامل اصلی سلامت اجتماعی است چون اصلی‌ترین ابزار ارتباط شما با دیگری است. به همین سان عرف یک زبان گفت‌وگویی اجتماعی است. عرف زبان اجتماع است. آن‌گاه که زبان عرف الکن شود، جامعه به بیماری کنکی و اختلال هویتی گرفتار می‌شود. زبان عامل خودشکوفایی است (épanouissement de soi). انسان با سخن و با گفتن و با نوشتن و حتی با راه‌رفتن تفکر می‌کند. زبان، سازوکاری برای اندیشیدن است. سخن‌گفتن و نوشتن، همان لحظه اندیشیدن است. جامعه نیز چنین است. اگر جامعه‌ای بتواند با عرف پویای خود به سخن‌گفتن، به نوشتن و به راه پیمودن بپردازد، چنین جامعه‌ای از سلامت بهره بیشتری می‌برد. عرف، خود یک عامل پویایی است که همه اینها را تضمین می‌کند. این سخن متضمن معنایی مهم در سیاست فرهنگی است. به هر میزان که سیاست فرهنگی عرف را به‌کناره‌زدگی اجتماعی براند و از آن را خاصیت ببیند، زده به همان میزان جامعه را دچار ناسلامتی اجتماعی کرده است. نتیجه آنکه برخی از اقدامات افراد، گروه‌ها و دولت‌ها می‌تواند به سلامت اجتماعی آسیب برساند و نوعی بیماری اجتماعی را پدید آورد. گرفتاری آن‌گاه متناقض است پیچیده می‌شود که همان که عامل بیماری است (بیمار دست اول) در مقام سیاست‌گذار و درمانگر وارد می‌شود تا قربانیان (بیماران دست دوم) را درمان کند؛ و البته درمان او از جنس جراحی است. فرضیه این است که هر چه بیماری اجتماعی افزون شود، گرایش به تجهیز نیروی قهریه بیشتر می‌شود. همان که سبب بیماری شده است، خود در مقام درمانگر وارد می‌شود و این همان تناقض‌نمایی است که جوامع گرفتار آن هستند. امر متناقض نمای دیگر آنکه ناسلامتی اجتماعی در بطن خود ممکن است وجه توهین‌آمیز برای قربانیان داشته باشد و باعث می‌شود که در گفتار دچار محذوریت و خودسانسوری شوند. چون به هر حال آنان را «بیمار اجتماعی» تلقی می‌کند و در نتیجه اقدام قهرآمیز را موجه می‌کند. بنا به همین ملاحظات بااستی از بیمار تلقی کردن قربانیان احتراز کرد و بیکان بیماری را به سوی سیاست‌گذار نشانه رفت. حل این معضل با مداخله برای درمان بیماران دست دوم (قربانیان) امکان‌پذیر نیست. بلکه به درمان بیماران دست نخست، یعنی سیاست‌ها و سیاست‌گذاران موجد ناسلامتی اجتماعی بستگی دارد. به بیان ساده «خود را در درمان کنیم تا جامعه درمان شود»؛ همین. این سیاست‌های بیمارگونه است که می‌تواند افراد را بیمار کند. چشم بیمار سیاست است که جان جامعه را بیمار می‌کند. چشم را باید درمان کرد که گرفتار «آب مرورید» است؛ و تنگ‌چشمی به بار آورده است.

ادامه در صفحه ۳